

زندگانی و حکایات وهب بن عمرو صیرفی معروف به

بہلول عاقل

عیب رندان مکن ای زاہم پاکیزہ سرشت

کہ گناہ دگران بر تو نخواہند نوشت

من اگر نیکم و گر بد، تو برو خود را باش

ہر کسی آن درود عاقبت کار کہ کاشت

مؤلفین:

احمد مہجوری - صادق طالبی مازندرانی

مہجوری، احمد
زندگانی و حکایات وہب بن عمرو صیرفی معروف بہ بھلول عاقل / مولفین احمد مہجوری، صادق
طالبی مازندرانی۔ - قم: لاهوتیان، ۱۳۹۰.
۱۸۶ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۳-۰۳۷-۵ ۲۵۰۰ ریال:

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
کتابنامہ: ص ۱۸۶؛ همچنین بہ صورت زیر نویس.
بھلول المجنون، بھلول بن عمر، - ۱۹۰ ق. - لطیفہ های. ۲. لطیفہ های فارسی - مجموعہ ها - الف.
طالبی مازندرانی، صادق، ب. عنوان

۸۹۲/۷۷

PN۶۲۲۲/ع۴۹۲۸

۱۳۹۰

زندگانی و حکایات وہیب بن عمر، معروف بہ

بھلول عاقل

مؤلفین: احمد مہجوری (مدرستہ علمی لنگاہ، یلمہ رائل) و حجۃ الاسلام صادق طالبی مازندرانی
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰
چاپ:
تیراژ: ۳۰۰۰
ناشر: لاهوتیان
قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۳-۰۳۷-۵

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
بخش اول: معرفی بهلول.....	۱۷
سیمای بهلول عاقل.....	۱۹
در عصر امام صادق علیه السلام	۲۰
بهلول در عصر امام کاظم علیه السلام	۲۳
چرا دیوانگی؟.....	۲۵
زندگی با درد و رنج.....	۲۶
تجربه‌های دیگر.....	۲۷
منابعی که بهلول را معرفی نموده‌اند.....	۲۹
بخش دوم: مناظرات؛ قضاوات؛ حکایات و مواعظ.....	۳۷
مناظرات و قضاوات.....	۳۹
۱. قضاوت بهلول و جواب دندان شکن او.....	۳۹
۲. بهلول و اهل سنت.....	۴۲
۳. گله‌ی بدون چوپان.....	۴۴
۴. مباحثه بهلول با مرد فقیه.....	۴۷
۵. قضاوت بهلول در محضر قاضی.....	۵۱
۶. بهلول و ابوحنیفه.....	۵۳
۷. سوال هارون از بهلول.....	۵۵
۸. تدبیر نمودن بهلول.....	۵۷
۹. قضاوت نمودن بهلول.....	۵۸
۱۰. سؤال هارن از بهلول.....	۵۹
۱۱. عفو و عافیت.....	۶۱
۱۲. بهلول و قاضی.....	۶۱

۱۳. بهلول و سیاح ۶۳
۱۴. آخرت هارون الرشید چگونه است ۶۵
- حکایات و مواظظ ۶۷
۱. پند دادن بهلول به عبدالله مبارک ۶۷
۲. پند دادن بهلول فضل ابن ربیع را ۷۱
۳. بهلول و زید مجنون ۷۴
۴. شخم زمین قبر سیدالشهداء علیه السلام ۷۵
۵. بهلول و دزد ۷۶
۶. جنید و درس هایی از بهلول ۷۸
۷. تعلیم دادن بهلول به یکی از دوستان ۸۰
۸. غضب نمون هارون و بخشیدن بهلول را ۸۲
۹. هارون و مرد شیاد ۸۳
۱۰. هارون و صیاد ۸۵
۱۱. سؤال هارون درباره امین و مأمون ۸۷
۱۲. جواب بهلول به هارون ۸۹
۱۳. بهلول و هارون ۹۲
۱۴. سؤال هارون از بهلول درباره علی علیه السلام ۹۳
۱۵. بهلول و خرقة و نان جو و سرکه ۹۶
۱۶. موعظه ۹۸
۱۷. تلاوت قبل از وحی ۹۸
۱۸. پندی از بهلول ۹۹
۱۹. هارون و مشروب ۱۰۰
۲۰. بهلول و غلامی که از تلاطم دریا می ترسید ۱۰۱
۲۱. بهلول و سوداگر ۱۰۲
۲۲. بهلول و امیر کوفه ۱۰۳
۲۳. پند دادن بهلول به هارون ۱۰۴
۲۴. بهلول و طیب دربار هارون ۱۰۵

۲۵.	بهللول و طعام خلیفه.....	۱۰۶
۲۶.	نشستن بهلول در مسند هارون.....	۱۰۷
۲۷.	بهللول و هارون.....	۱۰۸
۲۸.	بهللول و شیبه اسب.....	۱۰۸
۲۹.	نوشته بهلول.....	۱۰۹
۳۰.	بهللول و صاحب حساب.....	۱۰۹
۳۱.	السلام علیک یا الله.....	۱۱۰
۳۲.	شوخی با بهلول.....	۱۱۰
۳۳.	حمام رفتن بهلول.....	۱۱۱
۳۴.	قصه مسجد ساختن فضل بن ربیع.....	۱۱۲
۳۵.	روز قیامت.....	۱۱۳
۳۶.	وجه معاش بهلول.....	۱۱۴
۳۷.	خانه‌ای در بهشت.....	۱۱۴
۳۸.	دیوانه سوم.....	۱۱۶
۳۹.	ساده زیستی و تواضع.....	۱۱۷
۴۰.	تو هم چهارمی هستی.....	۱۱۸
۴۱.	حائل بین عذاب و رحمت.....	۱۱۸
۴۲.	بهللول و ذوالقرنین.....	۱۱۹
۴۳.	بهللول و داروغه.....	۱۲۰
۴۴.	بهللول در گورستان.....	۱۲۱
۴۵.	پاسخ به اذیت بچه ها.....	۱۲۱
۴۶.	نان بسیار گران شده و بهلول دعا نمی‌کند.....	۱۲۲
۴۷.	شعری از بهلول.....	۱۲۳
۴۸.	شعری دیگر از بهلول.....	۱۲۳
۴۹.	قصه سنگ زدن.....	۱۲۴
۵۰.	بی وفایی دنیا.....	۱۲۴
۵۱.	بهللول پند می‌شنود و پند می‌دهد.....	۱۲۵

۵۲. داروغه شهر ۱۲۵
۵۳. تأثیر دعای بهلول ۱۲۶
۵۴. احوالپرسی حاکم از بهلول ۱۲۶
۵۵. آمدن بهلول از قبرستان و سوال از او ۱۲۷
۵۶. عاقبت ثروتمندان و فقیران ۱۲۸
۵۷. ترازوی نامیزان ۱۲۸
۵۸. سوال از بهلول ۱۲۹
۵۹. بهلول و مستخدم ۱۲۹
۶۰. بهلول و مرد شیاد ۱۳۰
۶۱. بهلول و دزد ۱۳۰
۶۲. بهلول و عطیه خلیفه ۱۳۱
۶۳. بهلول و وزیر ۱۳۱
۶۴. حمام رفتن بهلول و هارون ۱۳۲
۶۵. بهلول و منجم ۱۳۲
۶۶. بهلول در سر سفره ۱۳۳
۶۷. هارون الرشید و شکار ۱۳۳
۶۸. الاغ عمرش را به خلیفه داد ۱۳۳
۶۹. بهلول و ابله ۱۳۴
۷۰. همنشینی با همנוعان ۱۳۴
۷۱. سوال مردی از بهلول درباره شیطان ۱۳۴
۷۲. همنشینی با مردگان ۱۳۴
۷۳. شخص ثروتمند و بهلول ۱۳۵
۷۴. فتنه، دشمنی و شهادت ۱۳۵
۷۵. کلنگ را بردار ۱۳۶
۷۶. قیمت دوستی ۱۳۶
۷۷. جنون ۱۳۷
۷۸. خلیفه شدن بهلول ۱۳۷

۷۹.	تشییع جنازه.....	۱۳۷
۸۰.	سبک بودن اندیشه.....	۱۳۸
۸۱.	نزدبان دو طرفه.....	۱۳۸
۸۲.	اشتراک.....	۱۳۸
۸۳.	تاوان آزاد بودن بهلول.....	۱۳۹
۸۴.	بهلول محتاج دعای بچه‌ها می‌شود.....	۱۳۹
۸۵.	اموال بهلول.....	۱۳۹
۸۶.	خنداندن توانگر.....	۱۴۰
۸۷.	حرف زدن و نجوا کردن با خود.....	۱۴۰
۸۸.	خوب کار نکردن فکر خلیفه.....	۱۴۱
۸۹.	راز طول عمر آدمی.....	۱۴۱
۹۰.	مشورت با بهلول.....	۱۴۱
۹۱.	هضم طعام.....	۱۴۲
۹۲.	نصف دیگرش را به که بفروشیم؟.....	۱۴۲
۹۳.	عیادت کردن بهلول.....	۱۴۲
۹۴.	ماه گذاخته و باریک شده.....	۱۴۳
۹۵.	دو بلا در یک زمان.....	۱۴۳
۹۶.	دزدیدن کفش بهلول.....	۱۴۳
۹۷.	بنالد تا گلوی پاره شود.....	۱۴۳
۹۸.	وقت طعام خوردن.....	۱۴۴
۹۹.	مستجاب شدن دعا.....	۱۴۴
۱۰۰.	بی ادبی شخصی در حضور بهلول.....	۱۴۵
۱۰۱.	وجود شریف شما.....	۱۴۵
۱۰۲.	مدح خلیفه گفتن.....	۱۴۵
۱۰۳.	بهلول و جاهل.....	۱۴۵
۱۰۴.	سؤال کردن از بهلول.....	۱۴۶
۱۰۵.	به سمت جامه‌های خود.....	۱۴۶

۱۰۶. دعوی شخصی در نزد بهلول ۱۴۶
۱۰۷. شاعر یاوه سرا ۱۴۶
۱۰۸. آب زمزم ۱۴۷
۱۰۹. عذاب اهل مجلس از خوانندگی مطرب ۱۴۷
۱۱۰. تعبیر خواب خلیفه ۱۴۷
۱۱۱. وجود مبارک خلیفه ۱۴۸
۱۱۲. مصیبت عظیم ۱۴۸
۱۱۳. موجود احمق ۱۴۸
۱۱۴. دیوانه و بهلول ۱۴۹
۱۱۵. بالا رفتن بهلول از درخت ۱۴۹
۱۱۶. بزرگترین جانور ۱۴۹
۱۱۷. خلیفه دیوانه ۱۵۰
۱۱۸. عاقلان شهر ۱۵۰
۱۱۹. استراحت کردن ۱۵۰
۱۲۰. دنیا را چگونه می بینی؟ ۱۵۱
۱۲۱. جواب بهلول به زن بدکاره ۱۵۱
۱۲۲. یک موی تو ۱۵۲
۱۲۳. زن گرفتن بهلول ۱۵۲
۱۲۴. خلیفه عادل ۱۵۲
۱۲۵. وحشت ۱۵۳
۱۲۶. نزدیکترین راه ۱۵۳
۱۲۷. تلخ ترین چیز ۱۵۳
۱۲۸. ارث ۱۵۴
۱۲۹. بهلول و سر تراشی ۱۵۴
۱۳۰. جواب تمسخر ۱۵۴
۱۳۱. دعای سگ بند ۱۵۴
۱۳۲. برای من رازی بگو ۱۵۵

۱۳۳.	ریش تو یا دم سگ	۱۵۵.
۱۳۴.	تلخ ترین چیز	۱۵۶.
۱۳۵.	خواب	۱۵۶.
۱۳۶.	دکان سلمانی	۱۵۶.
۱۳۷.	احسنت به مرغ	۱۵۶.
۱۳۸.	آدم ابله	۱۵۷.
۱۳۹.	وصف بزرگواری	۱۵۷.
۱۴۰.	شایسته لطف تو باشم	۱۵۷.
۱۴۱.	فرق بین تولد و مرگ	۱۵۸.
۱۴۲.	انسان چیست؟	۱۵۸.
۱۴۳.	حکمت گردش شب و روز	۱۵۸.
۱۴۴.	مشترک	۱۵۸.
۱۴۵.	ظاهر خوش و باطن ناخوش	۱۵۹.
۱۴۶.	با یک گل بهار نمی شود	۱۵۹.
۱۴۷.	جلب حس نوع دوستی بزرگان	۱۵۹.
۱۴۸.	شرف یابی	۱۶۰.
۱۴۹.	نیکو ترین دعا	۱۶۰.
۱۵۰.	مرد شیاد و لاف زن	۱۶۰.
۱۵۱.	او را چگونه می توان یافت؟	۱۶۱.
۱۵۲.	کلاه	۱۶۱.
۱۵۳.	بهشت جای عاقلان و فرزندان باشد	۱۶۱.
۱۵۴.	توانگر فرومایه	۱۶۲.
۱۵۵.	نان می دهند و جان می گیرند	۱۶۲.
۱۵۶.	تخم نکردن مرغ	۱۶۲.
۱۵۷.	مرگ چیست؟	۱۶۳.
۱۵۸.	همدیگر را می درند	۱۶۳.
۱۵۹.	حرف های خوب	۱۶۳.

۱۶۰. صاحب اصلی ۱۶۳
۱۶۱. من می خرم ۱۶۴
۱۶۲. من پیاده خواهم رفت ۱۶۴
۱۶۳. سکتہ ناقص ۱۶۵
۱۶۴. بر پدر دروغگو لعنت ۱۶۵
۱۶۵. رو سفید ترین مردم نزد خداوند ۱۶۵
۱۶۶. احوال پرسی از بہلول ۱۶۵
۱۶۷. بہای الاغ ۱۶۶
۱۶۸. کاه و گل بہ جای گج ۱۶۶
۱۶۹. عصا بہ چه کار آید؟ ۱۶۶
۱۷۰. خرما بخور ۱۶۷
۱۷۱. کوتاہ شدن زبان ۱۶۷
۱۷۲. آیندہ دنیا ۱۶۷
۱۷۳. مگر تو آدم نیستی؟ ۱۶۷
۱۷۴. سرگردان ۱۶۸
۱۷۵. آدم احمق ۱۶۸
۱۷۶. پنجاہ دینار طلب من ۱۶۸
۱۷۷. دوست داشتستی ترین حیوان عالم ۱۶۹
۱۷۸. رفتن بہ عیات مریض ۱۶۹
۱۷۹. لاف زنی ۱۶۹
۱۸۰. آدم مہم ۱۷۰
۱۸۱. طلبکار و احمق ۱۷۰
۱۸۲. سؤال بہلول درباره حضرت لوط (علیہ السلام) ۱۷۰
۱۸۳. سرگرم کردن ۱۷۰
۱۸۴. علت بدبویی مدفوع ۱۷۱
۱۸۵. بخور و برای من دعا کن ۱۷۱
۱۸۶. دیوانہ یا عاقل ۱۷۲

۱۸۷.	سر گرم کردن.....	۱۷۲
۱۸۸.	نشان کامل شدن عقل.....	۱۷۳
۱۸۹.	وظیفه چشم آدمی.....	۱۷۳
۱۹۰.	سعادت در چیست؟.....	۱۷۳
۱۹۱.	زنان سه گونه‌اند.....	۱۷۳
۱۷۵	بخش سوم: منسوبیات به بهلول.....	
۱.	من خورناس نمی‌کشم.....	۱۷۷
۲.	تخم مرغ روز.....	۱۷۷
۳.	وصیت بهلول.....	۱۷۸
۴.	بهلول و سرکه.....	۱۷۸
۵.	فلسفه کفش‌های بهلول.....	۱۷۸
۶.	بهلول و دوست.....	۱۷۹
۷.	آرزوی بهلول.....	۱۷۹
۸.	اره‌ای که هنوز دندان در نیاورده.....	۱۸۰
۹.	پیاده می‌آمد؟.....	۱۸۰
۱۰.	امانت خواهی.....	۱۸۰
۱۱.	بیماری مادر.....	۱۸۱
۱۲.	فرزندان به جای الاغ.....	۱۸۱
۱۳.	میراث پدری.....	۱۸۱
۱۴.	خانه بهلول.....	۱۸۱
۱۵.	پارچه به سر بستن.....	۱۸۲
۱۶.	مالیدن سریش به کلاه.....	۱۸۲
۱۷.	بلند کردن سایه از روی زمین.....	۱۸۳
۱۸.	دست و پا زدن بهلول.....	۱۸۳
۱۹.	دزدی الاغ.....	۱۸۳
۲۰.	شکستن پای بهلول.....	۱۸۴
۲۱.	بهلول و شلغم.....	۱۸۴

۲۲. لباس شستن بهلول ۱۸۴
۲۳. به دنبال حواس ۱۸۵
۲۴. روحیه‌ام مرده است ۱۸۵
۲۵. زن به غایت قبیح بهلول ۱۸۵
۲۶. چگونه خواهی زیست؟ ۱۸۶
۲۷. خاتون به خانه فرود آمد ۱۸۶
۲۸. مشاجره بهلول با زنش ۱۸۶
۲۹. جلوگیری از دعوای دو نفر ۱۸۶
۳۰. عقیلم می‌رسد، زورم نمی‌رسد! ۱۸۷
۳۱. مهمان ۱۸۷
۳۲. خبر رساندن بهلول ۱۸۷
۳۳. نقل و بادام ۱۸۸
۳۴. شراکت ۱۸۸
- نتیجه این مطالب ۱۸۹
- منابع ۱۹۱

مقدمه

نگارش زندگانی مردان بزرگ، کاری بس دشوار و از عهده هر کسی خارج است و امثال ما، موری بس نیستند که بخواهند در دربار سلیمانی ادعا نمایند که توان انجام چنین کاری بس دشوار از آنان بر خواهد آمد، اما چه کنیم که از بس در بین نگارندگان کتب، اقلامی بس ناگوار دیده شد، مجبور به یک چنین کاری گردیده ایم.

زندگانی عالم عارف، فقیه مجاهد، لقمان زمانه، «وهب بن عمرو صیرفی» معروف به «بهلول عاقل» که یکی از دانشمندان بزرگ قرن دوم و از شاگردان دو امام (امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام) می باشد و به دستور امام، برای آنکه از او خطایی سر نزند و در دربار کفر برای قضاوت نرود^۱، خود را به عنوان مجنون معرفی نموده، در انتظار ظاهر گردید.

۱- چرای این سخن، در این مجموعه انشاء الله خواهد آمد.

وی با این کار خویش دارای حکایات، مناظرات، مواعظ و کلمات درر باری می‌باشد که هر اهل دل و اشارتی را آگاه و بیدار می‌کند، اما چه کنیم گروهی از نویسندگان، وی را سوژه قرار داده، با هر حرافی، مطالب ناسنجیده و نادرستی را به این فقیہ نسبت داده، وی را در معرض مضحکہ قرار داده، می‌بایست آنان را آگاه به افکار غلطشان نمود.

غرض ما در این مجموعه اولاً: معرفی این دانشمند و ثانیاً: بیان کلمات در بار این فقیہ و ثالثاً: ردّ هر آنچه را کہ به وی نسبت داده‌اند می‌باشد.

از تمامی عزیزانی کہ این مجموعه را مطالعه می‌کنند خواهشمندیم اگر در این مجموعه عیبی مشاهده گردید، ما را عفو نموده و از یادآوری آن به ما دریغ نفرمایند.

والسلام
مہجوری اطالبی
زمستان ۱۳۸۹ هجری شمسی